

سکولاریسم نقاب‌دار در زندگی متدینین

وظیفه حوزه علمیه در تولید سبک زندگی دینی، سخنرانی استاد رحیم‌پور در مدرسه معصومیه

اشاره: مطلب زیر، خلاصه‌ای از بحث «حوزه علمیه و سبک زندگی» است که توسط استاد حسن رحیم‌پور ازغدی در تاریخ

17 دی‌ماه سال جاری در مدرسه معصومیه قم ایراد شد.

ضرورت تولید توضیح‌المسائل فقه زندگی

وقتی از سبک زندگی و حوزه علمیه بحث می‌شود، توضیحاتی که از رهبری پخش کردند، فوق‌العاده گویا و دقیق و به‌اندازه کافی، برانگیزاننده بود. باید یک‌مقدار بیشتر در محتوای آن دقت کرد و به لوازم آن و مسئولیت ما در این پروژه اندیشید. سبک زندگی دینی و مسئولیت حوزه در این راه، در واقع معنایش این است که ما غیر از توضیح‌المسائل فقه عبادی، یک توضیح‌المسائل دیگری هم داریم با ابعاد و حجم صد هزار برابر بیشتر که با وضعیت زندگی بشر درگیر است و باید با همان مکانسیم اجتهاد، استخراج شود. اولاً باید خودمان مصرف کنیم و بعد به دیگران بدهیم. ما گاهی دل‌مان به حال دین دیگران می‌سوزد، ولی به حال خودمان نمی‌سوزد. بیشتر از این که نگران دین خودمان باشیم، نگران دین دیگران هستیم. تو اگر راست می‌گویی، اول آتش دامن خود را خاموش کن، بعد دیگران می‌فهمند که تو می‌توانی آتش را خاموش کنی. وقتی خودت داری مثل بقیه می‌سوزی، نمی‌توانی ادعای اصلاح سبک زندگی دیگران را داشته باشی.

ما «سبک» زندگی داریم. ما در کنار این توضیح‌المسائل که به فقه عبادی - فردی و معاملات شخصی می‌پردازد و لازم است که بپردازد، یک‌سری توضیح‌المسائل‌هایی احتیاج داریم که واقع‌بینانه به کف جامعه و روش‌های درست و نادرست زندگی بین اقشار مختلف - که یکی‌اش خود ما طلبه‌ها هستیم - توجه کند.

عدم اکتفا به چند دقیقه در روز

اما اتفاقی که افتاده، این است که غالباً زندگی را به دو بخش تقسیم می‌کنیم؛ یک بخش، عبادات و مثلاً زیارت و توسل و دعای کمیل و لباس سیاه پوشیدن و عزاداری و سینه‌زنی و ... این‌ها بخش مذهبی زندگی ماست که مجموع آن می‌شود چند روز خاص در طول سال، و چند دقیقه خاص در روز. و بقیه زندگی ما کاملاً مثل غیرمذهبی‌هاست؛ یعنی هر کاری که غیرمذهبی‌ها می‌کنند، ما هم می‌کنیم. مثلاً اگر در بازار یا دانشگاه هستیم، نحوه تعامل ما با دیگران، تفاوتی با تعامل یک جامعه غیرمذهبی ندارد. حتی گاهی ممکن است در بعضی جاها، عقب‌افتاده هم باشیم.

بنابراین از نظر برخی مذهبی‌ها، تعریف سبک زندگی دینی این است که به کسی و به جامعه‌ای می‌گوییم روز عاشورا بیاید و سینه بزند، ماه رمضان روزه بگیرد، اوقات پنج‌گانه نماز بخواند و از این قبیل. دیگر، قبل و بعدش چیچی می‌شود که این آدم، در اداره چه کار می‌کند؟ در خانه با شوهرش یا زنش، با بچه‌هایش، با همسایه‌ها و دیگران، چه‌طور رفتار می‌کند؟ گویا همین نماز واجب و روزه و حج، برای سبک زندگی، کافی است. نیمه شعبان چراغانی می‌کنند، محرّم و صفر عزادار هستند و سیاه می‌پوشند، مردان‌شان محاسن و زنان‌شان حجاب دارند. این می‌شود سبک زندگی.

اما حالا بیایید و بررسی کنید که ما در روابط اجتماعی‌مان چه‌قدر به هم دروغ می‌گوییم! مستأجر و موجر، چه‌طور با هم رفتار می‌کنند؟ یعنی همین بازار که در ماه محرّم و صفر، پرچم سیاه می‌زند و از نظر ما یک بازار مذهبی است، وقتی به

روایات اهل بیت مراجعه می‌کنیم، می‌فرمایند که بازار اسلامی، سه خصوصیت دارد: 1. دروغ گفته نمی‌شود. 2. کسی قسم نمی‌خورد. 3. کسی چانه نمی‌زند. خُب این تعریف اهل بیت از بازار اسلامی است که غیر از تعریف ماست. ما از این قبیل آیات و روایات، زیاد داریم که سبک زندگی دینی را بیان می‌کنند. براساس زندگی‌ای که روایات می‌گویند، من و شما حق نداریم زندگی فردی و اجتماعی‌مان را از هم تفکیک کنیم. حق نداریم به‌عنوان یک فرد مذهبی بگوییم همین که به نماز جماعت می‌روم، کافی است. بعد در بازار و بنگاه معاملاتی و دانشگاه و خانواده، دیگر کسی سراغ مذهب را نمی‌گیرد. مگر در این حدّ که یک‌سری مفاهیم و مواعظ کلی بشنویم. آن‌ها را هم اگر انجام دادی که بهتر، و اگر هم انجام ندادی، مهم نیست. گویی تو به حدّ نصاب رسیده‌ای و باقی‌اش جزو مستحبات است. یعنی یک سکولاریزم نقاب‌دار در این جا شکل می‌گیرد. در حالی که سبک زندگی دینی را اصلاً این‌طوری تعریف نکرده‌اند.

تصویری کمدی از اسلام، تحت عنوان سبک زندگی

پس اولین نکته در رابطه با حوزه علمیه و سبک زندگی، این است که ما به‌عنوان طلبه تلاش کنیم سبک‌شناسی زندگی اسلامی و شیعی را در این دوران، انجام دهیم. یعنی الان یک خانم خانه‌دار، آقایی که در مغازه‌اش سبزی می‌فروشد، یک راننده، یک کارگر، یک استاد، دانشجو و ... اگر بخواهد سبک زندگی دینی داشته باشد، با توجه به مسائل روزمره خودش، چه باید بکند و چه نباید بکند؟

البته ما در این جا غیر از عقل و نصّ، به درک درست واقعیات بیرونی جامعه و عرف اجتماعی هم احتیاج داریم. یعنی باید موضوع را درست بشناسیم. اگر موضوع را درست نشناسید، دچار خطر بزرگی می‌شوید. همان چیزی که در جامعه ما به نام «اخباری‌گری» تعبیر می‌کنند. جریان‌های اخباری و نو اخباری که کاری به عقل و قرآن و تعارض روایات و سند حدیث ندارند. همین‌طوری دست می‌کند در کتاب‌ها و حدیث را در می‌آورد و می‌خواند. اصلاً کاری ندارد که سند و ارتباطش با دیگر روایات، چگونه است؟ بدون تأمل عقلی و با ترجمه تحت‌اللفظی، یک حدیث را می‌خوانند و توجه ندارند که مخاطب این حدیث، کیست؟

پیامبر فرمود: «أَمْرُنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ». پیامبران می‌گویند ما اصلاً حقیقت مطلق را به هر شکل و به هر کس نمی‌گوییم؛ چه برسد به این که حقیقت نباشد و احیاناً حدیث جعلی هم باشد. همه سطوح حقیقت، مال همه نیست. این‌هایی که به‌عنوان تبلیغ و دین‌شناسی، حدیث را برمی‌دارند و به هیچ‌چیز دیگر کاری ندارند، این‌ها گاهی اضلال است؛ نه هدایت. من دیده‌ام کسی را که به‌خاطر شنیدن یک آیه یا حدیث در غیر جای خودش، و بد معنانشدن آن، همان خُرده ایمانش را هم از دست داده است. می‌توان یک تصویر کمدی و مسخره از اسلام، ارائه داد؛ آن هم با استفاده ناصحیح و نابجا از آیات و روایات. تحت عنوان این که ما می‌خواهیم سبک زندگی دینی را ارائه دهیم. بعضی از این روایات، مسئله شخصی است و بعضی، زماناً محدود است. بعضی‌ها را تا نفهمی در چه زمینه‌ای گفته شده، معنای صحیحش را در نمی‌یابی.

ضرورت زمان‌شناسی و اجتهاد برای سبک زندگی

حتماً منشاء کشف و استخراج سبک زندگی دینی برای ما مسلمانان، کتاب و سنت است. وظیفه حوزه در درجه اول، استخراج و بازکشف و بازتولید سبک زندگی دینی براساس قرآن و سنت اسلامی و شیعی، در عصر حاضر است. با توجه به

واقعیات امروز. خانواده امروز با خانواده 500 سال پیش، تفاوت‌هایی کرده است و این تفاوت‌ها، حرام نبوده؛ اقتضای زندگی است. موضوع را باید درست شناخت.

همین‌طور نقش عقل و تجربه و عرف را در سبک زندگی دینی باید مورد توجه قرار داد. کسی توهم نکند که سبک زندگی دینی، باید حتماً مو به مو نصّ شرعی باشد. بعد هم اشکال کنند که این نکته را در کجای نصوص گفته‌اند؟ خیر؛ استنباط عقلانی، تجربی و دخالت عرف در تدوین سبک زندگی، به دو صورت ممکن است؛ بخشی جایز و مشروع، و بخشی نامشروع. این‌طور نیست که هرچه در نصّ شرعی نیست، نامشروع باشد. چه بسا مسائلی که در نصوص نیست، ولی مجاز است. بنابراین بعضی‌ها فکر نکنند سبک زندگی دینی، توأم با نوعی تحجّر است. یعنی گویی سبک زندگی دینی، حتماً باید سبک زندگی هزار سال پیش باشد.

سبک زندگی دینی در هر دوره، به فراخور آن دوران، با دخالت عقل و تجربه و ذوق و نظر به عرف و بسترها و استعدادها، واقعی زندگی، متفاوت خواهد بود. یعنی ما جمود و تحجّر در سبک زندگی دینی نداریم. حتی نمی‌گوییم که همه باید یک‌طور باشند؛ بلکه تنوع عقلی، تجربی و عرفی و ذوقی را می‌پذیرد و منطقه‌الفراق وسیعی دارد. منتهی مرزهای این منطقه‌الفراق، مرزهای عقل و شرع قطعی است. البته این‌ها اجتهاد می‌خواهد.

برخورد صحیح با روایات سبک زندگی

در روایات راجع به سبک زندگی، معرکه‌ای برپاست. البته خیلی از این روایات، احتیاج به اجتهاد دارد و بسیاری‌اش هم اجتهاد نمی‌خواهد. فقط باید درست ترجمه شود. اگر این‌ها در زندگی ما بیاید، زندگی را زیر و رو می‌کند و یک زندگی فطری و فکری و اخلاقی و معتدل و دوست‌داشتنی، درست می‌کند.

اصلاً این تصور که سبک زندگی دینی، یک زندگی ناراحت‌کننده است، درست نیست. زندگی‌ای که در روایت ما بیان شده، این است که زندگی اجتماعی باید منهای خشونت، منهای اضطراب و استرس، منهای اهانت، تهمت و غیبت باشد. اصلاً تصورش را نمی‌شود کرد که چه بهستی می‌شود! «ربنا آتنا فی الدنیا حسنه و فی الاخره حسنه»؛ سبک زندگی اسلامی این است؛ دنیای خوب، آخرت خوب. نه به سبک مرتاض‌های هند که دنبال دنیای بد و آخرت خوب هستند. اصلاً ما در تفکر اسلام، دو اقلیم نداریم؛ یکی اقلیم دنیا و یکی اقلیم آخرت. بلکه این تفکر کلیسا و بودا و هندوئیسم است. ما در اسلام، چنین چیزی نداریم. اصلاً در اسلام نمی‌گویند شما اهل آخرت هستید، یا اهل تفریح و کار؟ اصلاً این سؤال، اسلامی نیست.

سدر برخورد با روایات سبک زندگی، بعضی‌ها کلاً این روایات را رها می‌کنند و می‌گویند همه این‌ها مال گذشته است. خُب این، سکولاریسم عریان است. به این‌ها می‌گوییم هزاران آیه و حدیث در مورد سبک زندگی آمده است، چرا این‌ها را عرضه نمی‌کنید؟ چرا بحث نمی‌کنید؟ در روایات ما راجع به نظام اقتصادی و سیاسی و حقوق بشر و خانواده و آموزش و پژوهش و نظام رسانه‌ای و طرز ازدواج و طلاق، بحث کرده‌اند.

آیا سبک زندگی اسلامی امروز و 1400 سال پیش، عین هم هست؟ نه. اما آیا کاملاً متفاوت است؟ نه. ثابتات و متغیراتی وجود دارد. اصول اعتقادی و اخلاقی و رفتاری، ثابت است. اما یک جاهایی هم به‌خصوص در نماد اخلاقی و همین‌طور در رفتارهایی که متناسب با شرایط زمان و مکان هستند، تغییراتی می‌کند. اصلاً اگر کسی امروز بیاید و در متغیرات، به سبک گذشته عمل کند، کار غیر اسلامی کرده است.

یکی از دوستان می‌گفت روایت فرموده است که حنا بستن، مستحب است. من هم حنا بسته‌ام و در محلّ کارم، همه مسخره‌ام کرده‌اند. ولی من برای خدا تحمّل می‌کنم. گفتم یک چیز را دقّت نکرده‌ای. وقتی امام می‌فرماید حنا بستن مستحب است، منظور «زینت» است. نه این که خود حنا، خصوصیت داشته باشد. زینت عرفی آن زمان بوده است. حُب در آن دوره، این رنگ موهای امروزی نبوده است. همین حنا را می‌بستند و حنا زدن به محاسن در آن جامعه، انگشت‌نماشدن در پی نداشت. همان امامی که می‌گفت حنا ببندید، گفته است هرکاری که تو را انگشت‌نما کند، مکروه یا حرام است. همه روایات را با هم ببین. پس چیزی که در این روایت فرموده، این است که مستحب است زینت داشته باشید. در جامعه مذهبی، همه باید زیبا و معطر باشند. این یک اصل اسلامی است.

ابعاد سبک زندگی

یک بخش سبک زندگی، مباحث معرفتی است؛ یعنی «سبک تفکر» است. بُعد دومش «ارزش‌های اخلاقی» است. و بخش سوم، «رفتار اجتماعی» است که معمولاً در حوزه سبک زندگی، غالباً به بخش اخلاق و رفتار، توجه می‌کنند. چرا که این‌ها محسوس است.

نقش حوزه در برپایی درس خارج فقه زندگی

من نمی‌دانم چه‌طور در مورد یک جزء کوچکی از یک عبادت که تقریباً قطعی است و اختلافی در مورد آن، بین علما نیست، چند سال در درس خارج، بحث می‌کنیم. البته ارزش خودش را دارد، ولی سؤال من این است که آیا ده‌ها هزار آیه و حدیث که راجع به همه ابعاد زندگی است، ارزش این را ندارد که 5 تا درس خارج فقه دقیق، داشته باشد؟ آیا ارزش ندارد که ما ده تا کرسی داشته باشیم و این آیات و روایات را بررسی کنند؟ در این کرسی‌ها بنشینند و این روایات و آیات را دسته‌بندی و بحث کنند. با همان دقّتی که در فقه و اصول انجام می‌شود. در حوزه علمیه، این ظرفیت وجود دارد. این‌ها اجتهاد می‌خواهد، همان‌طور که مباحث عبادی، اجتهاد می‌خواهد.

اگر حوزه علمیه در باب فقه و اخلاق، سبک زندگی اسلامی مطابق با امروز را درست تبیین اجتهادی نکند، علوم اجتماعی و علوم انسانی غرب و مکاتب آن‌ها، این کار را براساس مبانی خودشان انجام داده‌اند و حاضر و آماده، به خورد جامعه ما می‌دهند. باید از کلیات عبور کرد و وارد جزئیات شد. و إلا به‌جای ما، رسانه‌های غرب و سینماهای غرب و علوم اجتماعی‌شان، برای جامعه ما و حتی برای بچه‌های من و شما، عملاً سبک زندگی ساخته‌اند و می‌سازند. الان ادبیات حرف‌زدن بچه‌ها با پدرها و مادرها دارد تغییر می‌کند. یک‌زمانی ما به خواب هم نمی‌دیدیم که یک بچه، پدر یا مادرش را با اسم کوچک صدا بزند. اما الان تحت تأثیر همین فیلم‌ها، این کار دارد انجام می‌شود.